

فروش نوزاد در بیمارستان

مادر نوزاد با دریافت یک میلیون تومان قصد فروش فرزند خود را داشت

زنی که پس از زایمان قصد فروش نوزاد خود را در تهران داشت، با هوشیاری ماموران انتظامی مستقر در بیمارستان در اجرای نقشه خود ناکام ماند.

به گزارش «جام جم»، ماموران انتظامی مستقر در بیمارستان امام خمینی (ره) با مشکوک شدن به رفت و آمدهای چند نفر برای ملاقات با زن جوانی که جهت وضع حمل در بیمارستان بستری شده بود، زن بیمار را به صورت نامحسوس زیر نظر گرفتند و متوجه شدند با آن که زن بیمار هنگام بستری شدن در در مانگاه ولی عصر (عج) مستقر در بیمارستان امام خمینی (ره) گفته بود هیچ آشنا و فامیلی ندارد؛ اما چند نفر از نوزاد به دنیا آمده عکس و فیلم تهیه می کنند.

به این ترتیب، ظن ماموران به یقین تبدیل شد و آنها ۲ روز پس از وضع حمل زن جوان، یکی از ملاقات کنندگان را که سعی داشت نوزاد او را از بیمارستان خارج کند، دستگیر کردند و مشخص شد مادر این نوزاد فرزندش را به مبلغ یک میلیون تومان فروخته است.

■ آغاز تحقیقات

با تشکیل پرونده‌ای در این ارتباط در یگان انتظامی

مستقر در بیمارستان امام خمینی (ره) تحقیق از زن جوان که قصد فروش فرزندش را داشت، آغاز شد.

با اولین پرسش افسری که تحقیق از زن جوان را آغاز کرده است، بعضی فرو خورده او می ترکد و با نیم‌نگاهی به چهره معصوم کودکی که به فاصله کمی از او روی تخت به خواب عمیقی فرو رفته است، اشک‌هایش را با روسری پاک می کند و می گوید: چند سال پیش به اصرار والدینم به عقد و ازدواج جوانی که از همسایگانمان بود، در آمد؛ جوانی که هنگام خواستگاری به والدینم قول داده بود مرا خوشبخت کند، اما در همان شروع زندگی متوجه شدم همسر مردی نیست که بتوانم به او تکیه کنم. او بسیار شکاک و بددل بود و بدون اجازه او جرات نداشتم از خانه خارج شوم یا حتی بستگانم را به خانه دعوت کنم. او هر روز مرا کتک می زد و رفتارهایش موجب شد تا کابوس وحشتناکی از زندگی داشته باشم. رفتارهای او بر اینم قابل تحمل نبود تا این که یک روز عطای زندگی با او را به لقایش بخشیدم و از خانهای که با هزاران امید قدم در آن گذاشته بودم، فرار کردم.

زن جوان آهی می کشد و با انگشتان لاغر خود با موهای

سیاه رنگ فرزندش بازی می کند، کمی مکث می کند و ادامه می دهد: فرار از خانه، اولین اشتباه بزرگ زندگی ام بود، چون پس از بازگشت به خانه شوهرم مرا طلاق داد و والدینم نیز طردم کردند. پس از آن همه آوارگی و سرگردانی، ابتدای سال گذشته هنگام رفتن به محل کارم در یک شرکت خدماتی، با مردی آشنا شدم که می گفت در آستانه جدایی از همسر خود است و به دنبال این آشنایی، به عقد و ازدواج موقت او درآمد.

وی ادامه داد: ۴ ماه پس از بارداری، مردی که با او ازدواج کرده بودم، به طرز مرموزی ناپدید شد و تلاش‌هایم برای یافتن او بی نتیجه ماند و سرانجام وقتی زمان زایمان فرارسید، با ناامیدی به بیمارستان آمدم و از طریق فردی که در جریان زندگی ام قرار داشت، قصد فروش نوزاد خود را داشتم، زیرا قادر به نگهداری او نیستیم و....

در پی این اظهارات، موضوع به مرجع قضایی گزارش و با حضور ماموران کلانتری ۱۴۸ در محل و تحقیقات مقدماتی، نوزاد به دنیا آمده با دستور قضایی تحویل بهزیستی شد. تحقیق در این زمینه ادامه دارد.